

بسیاری از دانش‌آموزان شهرهای کوچک و روستاها به هیچ عنوان به امکانات آموزشی دسترسی ندارند و حتی از کتابخانه‌هایی در حد یک رفیع تکلیف هم برخوردار نیستند! به دلیل نگاه سیاسی، سلیقه‌ای و ناقص و غیرکارشناسی سازوکار درست را بهم زده‌ایم.

همه زیرساخت‌ها متفرق و متلاشی شده است!



حجت‌ال‌عابدینی بنیادی کارشناس آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه نظام آموزشی کشور ناعادلانه است به مقایسه عدالت آموزشی در شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها پرداخت.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از ایسنا، او گفت:

بسیاری از دانش‌آموزان شهرهای کوچک و روستاها به هیچ عنوان به امکانات آموزشی دسترسی ندارند و حتی از کتابخانه‌هایی در حد یک رفیع تکلیف هم برخوردار نیستند.

وی با بیان اینکه تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار بسیار زیاد است افزود:

در گذشته بسیاری از دانشگاه‌های مادر کشور معلم تربیت می‌کردند و همه این‌ها افرادی بودند که برای معلمی وارد دانشگاه می‌شدند اما اکنون همه زیرساخت‌ها به نوعی متفرق و متلاشی شده و از سامانی که داشتند خارج شده‌اند و راه حل آن این است که نظام آموزش عالی به فکر افتد.

کارشناس آموزش و پرورش با بیان اینکه ثابت شده دانشگاه فرهنگیان ظرفیت و توانمندی تربیت معلم برای کشور را ندارد گفت:

در گذشته آموزشکده‌ها و دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای داشتیم که هنرآموز هنرستان تربیت می‌کردند، اکنون آن‌ها واگذار شده‌اند و تنها دانشگاه شهید رجایی باقی مانده است.

بنیادی با بیان اینکه به دلیل نوع نادرست نگاه و نادیده گرفتن خیلی از مسائل اوضاع نظام آموزشی نابسامان شده است گفت:

برای اینکه آموزش و پرورش به عدالت آموزشی برگردد باید در تامین معلم‌های کشور از ظرفیت‌های موجود استفاده شود. در آموزش و پرورش ۱۰۰ هزار ظرفیت خالی شغلی و ۱۰۰ هزار نیازمند شغل داریم و نظام آموزش عالی نیز ۱۰۰ هزار نفر را تربیت کرده است اما گفته می‌شود شایستگی معلمی را ندارند و کنار گذاشته می‌شوند و تنها از دانشگاه فرهنگیان باید جذب انجام شود، این موضوع نشان از اوضاع نابسامان نظام آموزشی دارد. ساده‌ترین کار این است که شایسته‌ترین جوانان طی یک سازوکار مناسب برای معلم شدن تربیت شوند. ما به دلیل نگاه سیاسی، سلیقه‌ای و ناقص و غیرکارشناسی سازوکار درست را بهم زده‌ایم و اکنون وضعیت به گونه‌ای شده که نظام آموزشی قادر به تامین معلم نیست. ریشه اصلی ناعدالتی، ناعدالتی در تامین معلم است و کلاس‌های بدون معلم نتیجه این عملکرد نادرست است.

بنیادی درباره کیفیت آموزشی گفت:

مدارس سمپاد مصداق بارز ناعدالتی در نظام آموزشی و دسترسی به امکانات و تسهیلات آموزشی هستند زیرا فقط در شهرهای بزرگ وجود دارند و بسیاری از شهرها مدارس سمپاد ندارند. مدارس سمپاد با دریافت پول ناعدالتی را اجرا می‌کنند. در گذشته شرط حضور در این مدارس قبولی در آزمون بود و شهریه‌ای دریافت نمی‌شد اما اکنون با عدالت بازی شده، شهریه این مدارس نصف شهریه مدارس غیردولتی شهر یا منطقه اعلام شده و اگر دانش‌آموزی جزو ۴ دهک پایین باشد و نتواند شهریه پرداخت کند، تخفیف و هدیه برای او در نظر گرفته می‌شود، یعنی شان دانش‌آموز و خانواده را له می‌کنیم که شهریه دانش‌آموز را ببخشیم تا در مدرسه سمپاد تحصیل کند. هیچ کشوری این توهین را به استعدادها برتر خود نمی‌کند که بگوید تو فقیر هستی و چون جزو چهار دهک پایین هستی با بخشش شهریه به تو لطف می‌شود. کشور به دانش‌آموز سمپاد نیاز دارد تا او را در مشاغل کلیدی به کار گیرد و بتواند اوضاع کشور را بهتر کند. این موضوع نیز مصداق ناعدالتی و بازی کردن با عدالت است.

وی با بیان اینکه بنا بود طرح شهاب (شناسایی و هدایت استعدادها برتر) در مدارس کشور اجرا شود و آموزش و پرورش در یک سازوکار تمام دانش‌آموزان مستعد را شناسایی و از آن‌ها حمایت و پشتیبانی کند تا زمینه ارتقای تحصیل آن‌ها فراهم شود گفت:

در شهرهای بزرگ مدارس تیزهوشان وجود دارد و در سایر شهرها نیز بنا بود طرح شهاب اجرا شود ولی با نگاهی به نتایج کنکور ناعدالتی در نظام آموزشی کاملاً نمایان است و همان ناعدالتی که در تامین معلم وجود دارد، نتیجه خود را در کنکور هم نشان داده است.

او با بیان اینکه ۱۴ درصد دانش‌آموزان در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند ادامه داد:

سهم این مدارس در کنکور همان ۱۴ درصد است و مدارس عادی و دولتی در مقابل مدارس سمپاد و خاص سهم کاملاً ناعادلانه دارند در صورتی که اگر منصفانه و منطقی نگاه کنیم بخشی از جمعیت استعدادهای برتر در مدارس دولتی و در شهرهای کوچک هستند که باید تحت پوشش طرح شهاب قرار می‌گرفتند ولی چون طرح شهاب نتوانسته استعدادهای دیگر را شناسایی کند، دسترسی به رتبه‌های برتر معطل مانده و کسب رتبه نشده‌اند.

بنیادی با بیان اینکه ۸۰ درصد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی مانند دانش‌آموزان مدارس عادی هستند و نباید انتظار خاصی داشته باشیم که از مدارس عادی دولتی سبقت بگیرند گفت:

مدارس شاهد جزو مدارس عادی دولتی حساب می‌شوند و به دلیل شاخص‌هایی که برای ثبت‌نام دارند طیفی از مدیران دولتی، فرزندان خود را ثبت‌نام می‌کنند.

وی با بیان اینکه دانش‌آموزان روستاها و شهرهای کوچک به نسبت قابل توجه‌ای از دسترسی به مدارس استثنایی با مربی و توجه خاص محروم هستند و بیشتر امکانات در تهران و شهرهای بزرگ وجود دارد افزود:

ادعا می‌شود معلمان خاص و کلاس‌های تلفیقی وجود دارد ولی در عمل با خود معلم‌ها صحبت می‌کنیم خبری از پشتیبانی و آموزش‌هایی که باید باشد نیست و فقط در حد برنامه و شعار است.

او با بیان اینکه نشانه بارز ناعدالتی نظام آموزشی در کنکور هویداست ادامه داد:

شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه تاثیر قطعی معدل را با این تصور اعلام کرد که به عدالت آموزشی نزدیک شویم و با این فرض جلو رفت که نظام آموزشی عادلانه است اما فرض نادرست است و تاثیر معدل در کنکور نتیجه ناعادلانه‌ای است اتخاذ شده است. کنکور مسئله‌ای چند بعدی است و اساس کنکور بر آن است افراد به فرصت‌های شغلی خوب دست یابند تا در نهایت به درآمد، زندگی و شان اجتماعی برسند.

بنیادی با بیان اینکه برای حل مسئله کنکور دو بعد را باید در نظر گرفت گفت:

اولا بعد از ورود به دانشگاه باید طوری فرهنگ‌سازی کنیم که به تمام رشته‌ها جایگاه بالایی دهیم، اما ما تفاوت شان و منزلت اجتماعی را در برخی از مشاغل خیلی فاحش کرده‌ایم. دوما توجه به نظام پرداخت است؛ این همه تفاوت در نظام پرداخت ناعادلانه است و علت آن این است که ما برای خیلی از رشته‌ها شغل ایجاد نکرده‌ایم و حتی اگر شغلی مهیا شده میزان پرداختی آن بسیار پایین است.

این کارشناس آموزش و پرورش با بیان اینکه در نظام به کارگیری مشاغل باید عادلانه رفتار کنیم و تمام افراد در جایی که شایسته است به کار گرفته شوند ادامه داد:

خیلی از دانش‌آموزان از دستیابی به تحصیلات و مشاغلی که علاقه و استعداد دارند محروم هستند. اگر بتوانیم طوری دانش‌آموزان را تربیت کنیم که هرکسی براساس علاقه‌اش کار پیدا کند و به خانواده‌ها شناخت دهیم که شغل را براساس استعدادهایشان انتخاب کنند، بسیاری از مسائل کنکور حل می‌شود.

بنیادی با بیان اینکه در مبحث دیگر کنکور، نظام پذیرش دانشگاه‌ها به گونه‌ای باشد که به مهارت‌ها نیز توجه شود تا جامعه نیز

پیشرفت کند گفت:

علت وجود فارغ التحصیلان بیکار این است که فرد در رشته‌ای تحصیل کرده و در رشته دیگری به کار گرفته شده که علت آن عدم توجه به علاقه و استعداد خود بوده و براساس جو اجتماعی در نقطه دیگری به کار گرفته شده است.

برچسب ها: [دانشگاه](#) [1]

[آموزش و پرورش](#) [2]

[فقر](#) [3]